

شلاق جهل بر پیکر شادی !

آرش کمانگر

در هفته های اخیر محاکم قضایی جمهوری اسلامی ده ها جوان و نوجوان را در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران، به جرم نقض مقررات ارتجاعی مربوط به «امر معروف و نهی از منکر» بازداشت و به مجازات قرون وسطایی شلاق محکوم نموده اند. این نوع مجازات، البته در تمام طول حاکمیت رژیم اسلامی در رابطه با مسائلی نظیر روابط عاشقانه و جنسی خارج از سنت های مذهبی به مورد اجرا گذاشته می شدند، اما آن چه در هفته ای اخیر شاهد آن بودیم، دارای دو ویژگی خاص می باشد که لازم است به آن ها توجه کنیم: نخست این که قوه قضاییه رژیم، درست بعد از انتخابات ۱۸ خرداد، و برای این که بار دیگر به مردم ثابت کند چیزی تغییر نکرده و نخواهد کرد، تصمیم گرفته برای زهرچشم گرفتن از جوانان و آرباب این «کانون آتشفشانی» احکام شلاق را به نحو بی سابقه ای در میادین شهرها و معابر عمومی و در برابر چشمان حیران افکار عمومی داخل و خارج به مورد اجرا گذارد.

در همین رابطه پاره ای از تئورسین های جناح محافظه کار نظیر مصباح یزدی صراحتاً اعلام کردند که اگر از همان ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی این نوع مجازات ها با شدت و حدت اجرا می شد، هیچ گاه ابعاد به اصطلاح فساد به میزان کنونی نمی رسید. او و هم پالگی هایش خواهان اجرای گسترده، منظم و علنی مجازات های اسلامی در ملا عام هستند. دوم این که اکثریت جوانانی که در هفته های اخیر به تازیانه بسته شدند، برای جرایمی نظیر: رعایت نکردن حجاب اجباری، گوش فرادادن به موسیقی ممنوعه و یا ترتیب مجالس شادی و رقص در منازل خود بوده اند. این مساله خصوصاً واکنش شدید مجامع جهانی حقوق بشر و از جمله سازمان عفو بین الملل را برانگیخت. جهانیان از خود می پرسند: چگونه می شود که در قرن بیست و یکم در کشوری دسته دسته جوانان را به خاطر نوع لباس و یا نوع موسیقی که گوش می دهند، همچون دوران برده داری و ارباب رعیتی به فلک بست؟

خود این اعتراضات بین المللی و البته تنفر مردم کشورمان از نمایشات بربرمنشانه اخیر سبب شده که «شورای تامین استان تهران» با برپایی یک جلسه اضطراری، خواهان آن شود که محاکم قضایی رژیم قبل از به اجرا گذاشتن علنی مجازات های اسلامی با این «شورا» مشورت کنند و حتی المقدور از تحقق آن ها در ملا عام خودداری ورزند. شورای تامین استان تهران صراحتاً علت چنین توصیه ای را بازتاب منفی حوادث اخیر در مجامع بین المللی ارزیابی می کند. یعنی هر دو جناح رژیم بر سر اجرای مجازات های ضدبشری با یکدیگر اختلافی ندارند، موضوع مورد مجادله این است که جناح وابسته به دولت خاتمی، خواهان اجرای پنهانی و بی سروصدای این احکام می باشد اما جناح محافظه کار معتقد است که اجرای علنی و گسترده این مجازات ها برای ایجاد رعب و وحشت الزامی است والا نمی توان از پس ابعاد اعتراض، مقاومت منفی و نافرمانی مدنی جوانان، زنان و اکثریت مردم برآمد. خود خاتمی نیز در استانه انتخابات ۱۸ خرداد طی مصاحبه ای با خبرنگاران داخلی و خارجی، منکر خشونت آمیز بودن احکام اسلامی سنگسار، تعزیر و غیره شده بود. بنابراین مردم کشورمان و بیشتر از همه جوانان، برای رسیدن به خواست های عرفی، مدرن و آزادی خواهانه خویش، و از جمله آزادی پوشش، آزادی موسیقی، رقص و یارتی، آزادی معاشرت و عشق ورزی و کلا برچیدن مقررات پوسیده «امر به معروف و نهی از منکر» که لازمه آن جدایی کامل دین از حکومت است راهی جز این ندارند که کلیت رژیم را به مصاف بطلبند. چراکه هر دو جناح رژیم علی رغم برخی اختلافات و شیوه های متفاوت شان، بر سر حفظ حکومت دینی، استبداد مذهبی، مجازات های ضدبشری اسلامی و نظام ولایت فقیه با هم اشتراکات بنیادی دارند. بنابراین نوک تیز جنبش های مدنی در کشورمان و فشار افکار عمومی بین المللی نمی تواند متوجه نهان یا عیان اجرا شدن احکام شلاق، سنگسار و اعدام شود. مردم ما و عموم نیروهای ترقی خواه جهان خواستار لغو بی قید و شرط احکام بربرمنشانه مذهبی هستند.

از این رو برای خنثی سازی سیاست های اربابی رژیم، نه تنها باید بر ابعاد مقاومت منفی و نافرمانی مدنی جاری افزود، بلکه باید مکان های عمومی اجرای احکام شنیع شلاق، سنگسار و غیره را به محل تجمع و اعتراضات وسیع توده ای مبدل نمود، اعتراضاتی که در صورت گسترده بودن و سازماندهی کافی، حتی قادرند قربانیان محاکم قضایی رژیم را از چنگ دژخیمان برهانند.

به هر رو این شلاق ها بر پیکر شادی، زندگی و همه ارزش های نیکوی انسانی است که فرود می آیند به همین خاطر متوقف کردن آن ها بخشی از رسالت عظیم مردم ما برای استقرار آزادی و برابری در ایران محسوب می شود.